مجله اقتصادی - ماهنامه بررسی مسائل و سیاستهای اقتصادی
شماره‌های ۹ و ۱۰، آذر و دی ۱۳۸۹، صفحات ۱۶۲ - ۱۵۱

سخنرانی

استقلال بانک مرکزی، شفافیت و پاسخگویی*

بن. اس برنانک
ترجمه: محمد نجار فیروز جایی[۱] و زکیه‌سادات شفاخواه[۲]

بحران اقتصادی که تقریباً سه سال قبل آغاز شد مردم بسیاری از نقاط جهان را دچار مشقت نمود و بعد از زمان بحران بزرگ، عمیق‌ترین چالش‌ها را برای بانک مرکزی نمایان ساخت. بسیاری از بانک‌های مرکزی از جمله بانک مرکزی آمریکا در مقابله با فشارهای اقتصادی بی‌سابقه و انقباض‌های شدید در فعالیت‌های اقتصادی، با اقدامات فوق‌العاده واکنش نشان دادند. در ایالات‌متحده، ما نرخ بودجه هدف فدرال رزرو را به میزان ۰ تا ۱/۴ درصد کاهش دادیم تا به کاهش بحران اقتصادی کمکی کرده باشیم. ما مقیاس، تنوع و سررسید وام‌هایمان را افزایش دادیم تا نقدینگی لازم را برای مؤسسات مالی فراهم کنیم و آشفتگی‌های بازارهای اقتصادی را سرو سامان دهیم؛ ما مشترکاً به اتفاق بانک‌های مرکزی خارجی(از جمله بانک ژاپن) خطوط معاوضه پول را پایه‌گذاری کردیم تا دسترسی جهانی به ذخایر دلار را تضمین کنیم، ما مقدار زیادی اوراق بهادار بلندمدت خریدیم تا به بهبود کارکرد بازارهای مالی کمک و از بهبود اقتصادی حمایت کنیم.[۳] بانک‌های مرکزی سراسر دنیا با نگاهی به آینده در تلاش هستند که با تقویت چارچوب‌های لازم برای تنظیم‌های مالی و نظارت از بحران‌های آینده پیشگیری کنند.

---

*این متن ترجمه این منبع می‌باشد:
http://wwww.federalreserve.gov/newsevents/speech/bernanke20100525a.htm

۱. مشاور معاون امور اقتصادی. najjarf.m@gmail.com
۲. مترجم دفتر مجلات و نشریات. zshafakhah@yahoo.com

۳. اخیراً در واکنش به بی نظمی های مالی وابسته به فشارها در اروپا، خطوط معاوضه پول با چند بانک مرکزی خارجی دوباره برقرار شد.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

در زمینه پیش گرفتن اصلاحات مالی مهم است که ما آن دسته از ویژگی‌های بانک مرکزی را که ثابت شده در مواقع بحران نقطه قوت و برای ثبات و موفقیت‌های آینده اقتصاد جهانی لازم هستند حفظ و تقویت کنیم. مهم‌ترین این جنبه‌ها توانایی بانک مرکزی در اتخاذ تصمیمات سیاست پولی مستقل از ملاحظات کوتاه‌مدت سیاسی و بر اساس اموری است که در بلندمدت برای اقتصاد خوب است. مسئولان بانک مرکزی باید در برابر مردم به خاطر تصمیم‌هایی که اتخاذ می‌کنند به‌طور کامل پاسخگو باشند، اما هم تئوری و هم تجربه قویاً از این قضیه که مجزا کردن سیاست پولی از فشارهای سیاسی کوتاه مدت برای دستیابی به نتایج مطلوب اقتصاد کلان و ثبات مالی کمک می‌کنند، حمایت می‌کند.

در اظهارات امروز، من به‌طور مختصر به بیان موارد کلی برای استقلال بانک مرکزی و مروری بر سیر تکاملی فدرال رزرو و دیگر بانک‌های مرکزی بزرگ دنیا می‌پردازم. همچنین در خصوص لزوم شفافیت و جوابگویی که باید این استقلال را همراهی کند، گفتگو می‌کنم.

موضوع استقلال بانک مرکزی

وفاقی فراگیر میان سیاستگذاران، استادان دانشگاه و سایر ناظران آگاه در سراسر جهان پدید آمده است مبنی بر اینکه اهداف سیاست پولی باید توسط مقامات سیاسی بنا نهاده شود اما اجرای سیاست پولی در پیگیری آن اهداف باید از کنترل سیاسی به دور باشد.[۱] این نتایج پیامد چارچوب‌های زمانی است که طی آن سیاست پولی آثار خود را دارد. برای دستیابی به ثبات قیمت و همچنین حداکثر اشتغال پایدار، سیاستگذاران پولی باید تلاش کنند اقتصاد را در طول زمان نسبت به نرخ رشد سازگار با افزایش آن در ظرفیت تولیدی اصلی اش هدایت کنند.

از آنجایی که سیاست پولی با وقفه زمانی قابل توجه‌ای عمل می‌کند، دستیابی به این اهداف مستلزم این است که سیاستگذاران پولی دورنمای بلندمدت‌تری را در تصمیم‌گیری‌های خود لحاظ کنند. سیاستگذاران در یک بانک مرکزی مستقل، با فراغ بال بیشتر برای دستیابی به بهترین نتایج ممکن اقتصادی در بلندمدت، به بهترین وجه قادر به رسیدن به چنین چشم‌اندازی خواهند بود.

---

۱. یک تمایز مفید بین "استقلال در هدف" و" استقلال ابزار" است. استقلال در هدف برای بانک های مرکزی- آزادی بانک مرکزی در تعیین اهداف خود در یک جامعه دموکرات سخت است، اما همانطور که من امروز خواهم گفت استقلال ابزار – توانایی بانک مرکزی در تعیین تنظیمات مناسب سیاست پولی بدون دخالت – برای ثبات اقتصادی حیاتی است.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

در مقابل، سیاستگذاران در بانک مرکزی که با تغییرات سیاسی کوتاه‌مدت مواجه هستند ممکن است متحمل فشارهایی گردند که اقتصاد را به تحریک بیش از حد برای دستیابی به اهداف کوتاه مدت مربوط به تولید و اشتغال که بیش از ظرفیت بالقوه اقتصاد است وا دارند، چنین اهدافی ممکن است در ابتدا مورد پسند عامه مردم باشد، و بنابر این در یک رقابت انتخاباتی مفید واقع شود، اما آنها دوامی ندارند و به زودی از بین می‌روند و به دنبال خود فقط فشارهای تورمی را باقی می‌گذارند که چشم‌اندازهای بلندمدت‌تر اقتصادی را بدتر می‌کند. بنابر این، دخالت‌های سیاسی در سیاست پولی می‌تواند باعث به وجود آمدن چرخه‌های نا مطلوب رونق و رکود اقتصادی گردد که در نهایت به اقتصاد بی ثبات و تورم زیاد منتهی خواهد شد.

همچنین دخالت بی‌مورد سیاسی بر تصمیم‌های سیاست پولی می‌تواند به اعتبار سیاست مبارزه با تورم بانک مرکزی لطمه بزند و به تورمی بالاتر از حد متوسط و در نتیجه به اقتصاد کمتر مولد منجر شود. بانک‌های مرکزی علی‌القاعده متعهد به حفظ تورم در سطح پایین در بلندمدت می‌باشند؛ اگر عموم مردم به چنین وعده‌ای اعتماد کنند آنگاه وعده‌ای حتمی خواهد بود چرا که انتظارات تورمی پایین می‌آید و خانواده‌ها و بنگاه‌ها تقاضای خود را برای دستمزدها و قیمت‌های بالا تعدیل می‌کنند. با این حال، یک بانک مرکزی مواجه با نفوذهای سیاسی کوتاه مدت هرگاه که قول تورم پایین‌تر می‌دهد، احتمالاً قابل اعتماد نخواهد بود چون عامه مردم متوجه این خطر هستند که سیاستگذاران پولی ممکن است تحت فشار، سیاست‌های توسعه‌ای کوتاه مدتی را اتخاذ کرده باشند که با ثبات قیمت بلندمدت همخوانی نداشته است. وقتی بانک مرکزی قابل اعتماد نیست، جامعه انتظار تورم بالا را خواهد داشت و بنابراین خواهان افزایش سریع‌تر در دستمزدهای اسمی و قیمت‌ها می‌شود. بنابر این، عدم استقلال بانک مرکزی می‌تواند به تورم بالاتر و انتظارات تورمی در بلندمدت منجر شود بدون اینکه هیچ منفعت جبرانی در رابطه با تولید و اشتغال بیشتر داشته باشد.[۱]

به علاوه در برخی موقعیت‌ها، دولتی که بانک مرکزی را کنترل می‌کند ممکن است با وسوسه‌ای قوی دست به گریبان شود برای آنکه از قدرت چاپ پول بانک مرکزی در جهت کمک مالی برای برطرف کردن کسری بودجه‌اش سوء استفاده کند. نزدیک به دو قرن پیش، دیوید ریکاردو[۲] اقتصاددان استدلال نمود: "گفته می‌شود که دولت نمی‌تواند با خیال راحت قدرت چاپ

۱. این مسئله در ادبیات تخصصی به عنوان مسئله "ناسازگاری زمانی" شناخته می‌شود. پیشگامان این ادبیات Kydland و Prescott بودند در سال (۱۹۷۷) و Calvo (۱۹۷۸). این مسئله توسط Barro و Gordan در متن سیاست پولی تجزیه و تحلیل شده است (۱۹۸۳).

2. David Ricardo, 1824,P.506.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

اسکناس را به دست بگیرد؛ چرا که قطعاً از این قدرت سوء استفاده می‌کند ... من اذعان می‌کنم که اگر دولت – بگوییم هیأت وزیران – خودشان قدرت چاپ اسکناس را به دست بگیرند با خطر بزرگی روبرو می‌شویم.[۱] سوء استفاده دولت از قدرت چاپ پول به عنوان وسیله ای برای تأمین مالی هزینه‌های خود به ناچار به تورم و نرخ بهره بالا و اقتصاد بی‌ثبات منجر خواهد شد.

این نگرانی‌ها در خصوص تأثیرات دخالت‌های سیاسی بر سیاست پولی بسیار فراتر از این است که صرفاً یک نظریه باشد، تجارب بانک‌های مرکزی در سراسر جهان و در طول تاریخ این واقعیت را نشان می‌دهد. به‌خصوص، مطالعات تجربی دقیق این دیدگاه را تقویت می‌کند که بانک‌های مرکزی که استقلال بیشتری دارند بیش از بانک‌های مرکزی با استقلال کمتر به ارائه نتایج بهتر تورم بدون لطمه زدن به رشد اقتصادی گرایش دارند.[۲] با توجه به تمام این ملاحظات، ابهامی وجود ندارد که چرا بسیاری از ناظران، استقلال بانک مرکزی را به عنوان یک مؤلفه مهم در چارچوب اقتصاد کلان سالم در نظر می‌گیرند. اقتصاددانان رویکردهای گوناگونی را به منظور تقویت استقلال و اعتبار سیاستگذاران پولی مطالعه کرده‌اند.[۳]

صریح بگویم، من به هیچ وجه از استقلال بی قید و شرط بانک مرکزی طرفداری نمی‌کنم. اول، برای اینکه استقلال در سیاست آن از لحاظ دموکراتیک دارای مشروعیت باشد، بانک مرکزی باید در برابر جامعه به خاطر اقداماتش پاسخگو باشد. من قبلاً گفته‌ام، اهداف سیاستی باید توسط دولت طرح‌ریزی شود نه توسط خود بانک مرکزی و بانک مرکزی باید مرتب نشان دهد که به‌طور مناسب دارد اهداف تعیین شده را دنبال می‌کند. همان‌طور که من در ادامه به آن خواهم پرداخت بانک مرکزی به نوبه خود برای نشان دادن پایبندی به تعهدات اش لازم است که نسبت به چشم‌انداز اقتصادی و راهبرد سیاستی‌اش شفاف باشد.

---

۱. نگاه کنید به این منابع:

Alesina(1988); Grilli, Masciandro and Teballini(1991); Cukierman (1992); Cukierman, Webb and Neyapti(1992); Alesina and Summers(1993); Gukierman, Kalaitzidakis, Summers and Webb(1993); and Cukierman, Miller, Neyapti (2002).

۲. نگاه کنید به این منابع:

Alesina(1988); Grilli, Masciandaro and Tabellini (1991); Cukierman (1992); Cukierman, Webb and Neyapti(1992); Alesina and Summers (1993), Cukierman, Kalaitzidakis, Summers and Webb(1993); and Cukierman, Miller and Neyapti(2002).

۳. راگوف در سال ۱۹۸۵ پیشنهاد کرد از یک بانکدار مرکزی مستعد برای پایین نگه داشتن تورم و ثبات به عنوان یک راه حل برای مشکل ناسازگاری زمانی استفاده شود. مباحث بیشتری در Presson و(۱۹۹۳) Tabellini و Walsh (۲۰۰۳ بخش هشتم) نشان داده شده است . Alesina و Gatti (۱۹۹۵) و Wallerو Walsh (۱۹۹۶) نظارت کردن بر چگونگی ایجاد یک بانک مرکزی مستقل و غیر حزبی می تواند سیاست پولی را از فشارهای سیاسی محافظت کند.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

دوم، استقلالی که برای اتخاذ سیاست پولی به بانک مرکزی داده شده نباید بدون صلاحیت برای توسعه فعالیت‌های غیر پولی تعمیم یابد. به‌عنوان‌مثال، بسیاری از بانک‌های مرکزی از جمله فدرال رزرو، دارای مسئولیت‌های مهمی برای نظارت بر سیستم بانکی هستند. همچنین تنظیم کننده‌های بانک و ناظران برای اینکه مؤثر باشند نیازمند سطح مناسبی از استقلال هستند، به‌ویژه جامعه باید مطمئن باشد که تصمیمات تنظیم کننده‌ها درباره سلامت نهادهای خاص بی‌جهت تحت تأثیر فشارهای سیاسی یا اعمال نفوذها نیست. اما بنا به دلایلی، طبیعت و محدوده استقلال داده شده به کارگزاری‌های تنظیم کننده احتمال دارد قدری با آنچه که به سیاست پولی داده شده متفاوت باشد. استقلال بانک مرکزی در انجام فعالیت‌های تنظیمی و نظارتی خود، باید نه بیشتر و نه کمتر از سایر بنگاه‌های مشغول در اینگونه فعالیت‌ها باشد. نباید استقلال در سیاست پولی به استقلال در سایر فعالیت‌ها سرایت یابد. فدرال رزرو در عمل با همکاری سازمان‌های دولت ایالات متحده در محدوده وسیعی از موضوعات مالی و نظارتی فعالیت دارد بدون اینکه در استقلال سیاست پولی خللی وارد شود.

مورد استقلال همچنین مستلزم روشن شدن دامنه آن دسته از فعالیت‌های بانک مرکزی است که به نظر می‌آید تحت سر فصل سیاست پولی قرار گیرند. سیاست پولی متداول، که در برگیرنده تعیین اهداف برای نرخ‌های بهره کوتاه‌مدت یا نرخ‌های رشد متغیرهای پولی است، به روشنی قابل توجیه است. من همچنین باید فعالیت‌های بانکی در زمینه تنزیل و وام‌دهی به بانک های مرکزی را تحت سرفصل سیاست پولی بانک مرکزی لحاظ کنم. این فعالیت‌ها فراهم‌کردن وام‌های کوتاه‌مدت و کاملاً تضمینی را به سازمان‌های مالی در جهت برآوردن نیازهای موقتی آنها به نقدینگی، کاهش دادن کارکرد بد بازار یا آرام کردن اضطراب‌های مالی را در بر می‌گیرد. همانطور که د ر طی صدها سال اضطراب مالی روشن شده است، توانایی بانک مرکزی و استقلال آن در اعطای این قبیل وام‌ها، واکنش سریعتر و مؤثرتری را در زمان یک بحران در پیش دارد. از سوی دیگر، از آنجایی که تصمیم‌گیری‌های مالی در قلمرو قوای مقننه و مجریه است، نقش بانک مرکزی در مقام آخرین وام دهنده مستقل به هنگامی که ریسک‌های مالی حداقل باشند قوی‌تر خواهد بود. الزام به اینکه وام دادن بانک مرکزی باید کاملاً با امنیت همراه باشد، همانطور که در ایالات متحده این‌گونه است، به محدود شدن دلالت‌های مالی آن کمک می‌کند. فدرال رزرو با نگاهی به آینده از روش‌های و معیارهایی حمایت می‌کند که کمک می‌کنند خطوط مجزا کننده بین مسئولیت‌های پولی و مالی شفاف‌تر شوند. به‌طور قابل ملاحظه، ایجاد یک چارچوب قانونی جدید برای رفع مشکل سقوط

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

بنگاه‌های مهم نه تنها به عنوان ابزاری برای کاهش ریسک سیستماتیک مطلوب است بلکه در پایه‌گذاری نقش‌های مناسب فدرال رزرو و دیگر سازمان‌ها در چنین راه حل‌هایی هم مفید خواهد بود. همچنین ممکن است موضوع تمایز مالی- پولی در مورد سیاست غیر متعارف که به عنوان تسهیل کننده کمی[1] شناخته می‌شود، پدید آید که در آن بانک مرکزی حمایت‌های مضاعف را برای اقتصاد و سیستم مالی از طریق بسط پایه پولی مثلاً با خریدن اوراق بهادار بلند مدت‌تر فراهم می‌آورد. بانک‌های مرکزی در تعدادی از کشورهایی با اقتصاد پیشرفته که به ندرت قبل از بحران در خارج از ژاپن مشغول بکار بودند و در سال‌های اخیر گونه‌های مختلفی از تسهیل کننده کمی را به عنوان سیاست‌های متعارف و مرسوم به اجرا در آورده‌اند با محدودیت‌هایی مواجه شده‌اند. در ایالات متحده فدرال رزرو هم اوراق بهادار خزانه‌داری و هم اوراق بهاداری که توسط واحدهای تحت حمایت دولت تضمین شده‌اند را خریداری کرده است.

اگر چه تسهیل‌کننده کمی، همانند سیاست پولی مرسوم از طریق تأثیر بر شرایط مالی گسترده عمل می‌کند می‌تواند آثار جانبی مالی داشته باشد که از آن جمله عبارتند از: درآمد بیشتر یا حق الضرب وقتی اوراق بهادار بلندمدت‌تر خریداری می‌شود و زیان یا نفع سرمایه به صورت افزایش یا کاهش ارزش اوراق بهادار وقتی این اوراق به فروش می‌رسند. با این وجود من فکر می‌کنم درست مانند دیگر سیاست‌های پولی، این مورد خوبی برای اعطای استقلال به بانک مرکزی در زمینه اتخاذ تصمیمات تسهیل کننده کمی است. از آنجایی که آثار تسهیل کننده کمی بر رشد اقتصادی و تورم از لحاظ کیفی مشابه با سیاست‌های پولی متداول‌تر است، نگرانی های مشابهی را در خصوص آثار معکوس[2] نفوذ سیاسی کوتاه مدت بر روی این قبیل تصمیم‌ها به همراه دارد. در واقع هزینه‌های دخالت بی‌مورد دولت بر تصمیمات تسهیل‌کننده کمی بانک مرکزی می‌تواند زیاد باشد، چرا که چنین دخالتی ممکن است به منزله دادن این قابلیت به دولت باشد که خواهان پولی کردن بدهی‌اش شود، پیامدی که باید به هر قیمت از آن اجتناب کرد.

1. Quantitative Easing
2. Adverse Effects

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

تحول تاریخی استقلال بانک مرکزی

حمایت از ایده استقلال بانک مرکزی در طول زمان تحول پیدا کرده است. در ایالات متحده و بسیاری از کشورهای دیگر، نرخ تورم به طور تاریخی بالا و بی ثبات در دهه ۱۹۷۰ و اوایل ۱۹۸۰ باعث بررسی مجدد سیاست‌های پولی و عملکردهای بانک مرکزی شد. از آن زمان ما شاهد تلاقی دو روند جهانی بودیم: اتخاذ ساز وکارهای بهبود یافته سیاستگذاری پولی و از بین بردن نرخ‌های بالای تورم. ساز و کار بهبود یافته سیاستگذاری به‌طور قابل توجه تقویت وسیع استقلال بانک مرکزی، افزایش شفافیت در بخش کمیته‌های سیاستگذاری پولی و توجه بیشتر به ثبات قیمت‌ها به عنوان یک هدف الزامی برای سیاست پولی را در بر می‌گیرد. هدف‌گذاری تورم که طی آن دولت یک هدف کمی را برای تورم تعیین و مسئولیت دستیابی به آن را به بانک مرکزی واگذار می‌کند، چارچوب خاص خودش را با اصول مذکور دارد. اما ثابت شده دیگر چارچوب‌های پولی مشابه این هم مؤثر بوده‌اند.

در سال‌های اخیر، تعداد بانک‌های مرکزی با درجات نسبتاً بالای استقلال به‌طور پیوسته افزایش یافت و تجارب برخی بانک‌های مهم مرکزی گواهی بر اهمیت استقلال است. بانک انگلستان، یکی از قدیمی‌ترین بانک‌های مرکزی دنیا، اساساً یک عامل خزانه‌داری انگلستان در بخش قابل توجهی از قرن ۲۰ بوده است. هنگامی که دولت در ۶ می ۱۹۹۷ اعلام کرد که بانک انگلستان به عنوان یک بانک مستقل دوباره متولد می‌شود، عایدی‌های اوراق قرضه خزانه‌داری انگلستان با سررسیدهای طولانی‌تر شدیداً سقوط کرد. احتمالاً این امر انعکاسی از کاهش جدی در انتظارات تورمی سرمایه‌گذاران و درک آنها از ریسک تورمی است. به علاوه، چندین تحقیقی نشان داده که انتظارات تورمی انگلستان به‌طور چشمگیری ثبات بیشتری را در سال‌های پس از استقلال به نمایش گذاشته است.[1]

قبل از ایجاد بانک مرکزی اروپا در ژوئن ۱۹۹۸، استقلال چنان مؤلفه مهمی دیده می‌شد که در معاهده ماست ریخت[2]، یک توافق بین‌المللی که تنها با رضایت همه امضاکنندگان آن قابل تغییر

---

۱. به عنوان مثال نگاه کنید به:

Castelnuovo, Altimari and Rodriguez – Palenzuela(2003) and Gurkaynak, Levin and Swanson(2006).

2. Maastricht Treaty

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

است، مقدس شمرده شده بود. استقلال بانک مرکزی اروپا کمک کرده است که انتظارات تورمی منطقه یورو قاطعانه مهار شود.[۱]

اهمیت استقلال بانک مرکزی همچنین موجب بازبینی قانون ۱۹۹۷ ژاپن شد که استقلال عملیاتی را به بانک مرکزی ژاپن اعطا می‌کرد.[۲] این تجدید نظر به‌طور چشمگیری محدوده تأثیرگذاری وزارت اقتصاد بر تصمیم‌های بانک مرکزی را کاهش داد، در نتیجه استقلال بانک مرکزی ژاپن در تنظیمات سیاست پولی تقویت شد.

اگر چه فدرال رزرو در سال ۱۹۱۳ به عنوان یک بانک مرکزی مستقل پایه‌گذاری شد، درجه مؤثر استقلال آن به‌تدریج طی زمان افزایش یافته است. در آغاز دبیر کل خزانه‌داری[۳] و ذیحساب[۴] جزء اعضای هیأت مدیره بودند؛ اما وقتی ساختار کنونی کمیته بازار آزاد فدرال به قانون سال ۱۹۳۵ بانکداری اضافه شد، اینها حذف شدند. این قانون همچنین دوره انتصاب اعضای هیأت مدیره را از ۱۰ سال به ۱۴ سال افزایش داد؛ دوره‌های انتصاب طولانی‌مدت و تکان دهنده اعضای هیأت مدیره همچنین به عنوان ترمزی برای دخالت‌های سیاسی به خدمت گرفته شد.

طی جنگ جهانی دوم، فدرال رزرو توافق کرد عایدی‌های خزانه‌داری را در سطوح پایین نگه دارد تا هزینه تأمین مالی کسری بودجه زمان جنگ را کاهش دهد. بعد از جنگ، فدرال رزرو بخاطر ترس از پیامدهای تورمی کنترل سیاسی مدام، در صدد برآمد یک سیاست پولی مستقل را از سرگیرد. اما خزانه‌داری هنوز دغدغه هزینه فرع بدهی‌ها را داشت. همان‌طور که می‌دانیم این مناقشه سال ۱۹۵۱ از طریق مذاکرات توافقی خزانه داری و بانک مرکزی حل و فصل شد. این توافق بار دیگر توانایی فدرال رزرو برای تنظیم آزادانه نرخ ارز با رایزنی فعال میان خزانه داری و فدرال رزرو را بر قرار کرد. تنها با اصلاح قانون فدرال رزرو در سال ۱۹۷۱ بود که اهداف کنونی بانک مرکزی مبنی بر حداکثر اشتغال و قیمت‌های ثابت توسط کنگره آمریکا تبیین شد.

---

۱. Beechey و Johansen، Levin (2008) به این نتیجه رسیدند که انتظارات تورمی بلندمدت در منطقه یورو به نحو معناداری تحت تأثیر غافلگیری در انتشار داده‌های اقتصاد کلان قرار نمی‌گیرد، این امر دال بر این است که آن انتظارات به خوبی مهار شده است.

۲. قانون جدید بانک ژاپن در یکم آوریل ۱۹۹۸ عملیاتی شد.

3. Secretary of the Treasury
4. Comptroller of the Currency

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

این قبیل اختیارات نشانه کلیدی از استقلال بانک مرکزی است.[۱]

طی سال‌ها بین رهبران سیاسی ایالات متحده بر سر این که استقلال بانک مرکزی در ایجاد سیاست پولی برای خوشبختی ملت و ثبات اقتصادی ضروری است، وفاقی به وجود آمد. در سال ۱۹۷۸ کنگره رسماً این اصل را بدین ترتیب به رسمیت شناخته است که سیاست پولی، عملیات تنزیل و تعاملات فدرال رزرو و دیگر بانک‌های مرکزی از بازرسی‌های سیاستی دیوان محاسبات معاف باشد. در سال ۱۹۷۹ رئیس جمهور کارتر، پل وکر را به ریاست بانک مرکزی منصوب کرد با این انتظار که وکر قابلیت اعتبار مبارزه با تورم بانک مرکزی را تقویت می‌کند. حتی اگر آن گام‌ها احتمالاً با هزینه‌های اقتصادی و سیاسی کوتاه مدت همراه باشد. متعاقب آن رئیس جمهور ریگان از سیاست‌های ضد تورمی نامطلوب از نظر سیاسی وکر حمایت کرد و این اصل ثابت شد که استقلال بانک مرکزی برای پیروزی نهایی بر تورم ضروری است. یک پیروزی که صحنه را برای رشد اقتصادی مدام تنظیم کرد[۲]. از آن پس رؤسای جمهور و دیگر رهبران سیاسی آمریکا به طور مرتب بر فواید یک فدرال رزرو مستقل صحه می‌گذاشتند. به عنوان مثال در سال ۲۰۰۰ رئیس جمهور کلینتون گفت که "یکی از شاخصه‌های راهبرد اقتصادی ما احترام قائل شدن برای استقلال و یکپارچگی بانک مرکزی بوده است." [۳] رئیس جمهور بوش در سال ۲۰۰۵ خاطر نشان کرد که "این استقلال فدرال رزرو است که نه تنها به مردم آمریکا بلکه به مردم جهان دلگرمی می‌دهد." [۴] و رئیس جمهور اوباما در آگوست ۲۰۰۹ گفت که" ما به حفظ یک فدرال رزرو مستقل و قوی ادامه خواهیم داد." [۵]

---

۱. قانون اشتغال سال ۱۹۴۶ اهداف "اشتغال حداکثر، تولید و قدرت خرید" را برای تمام بنگاه‌های فدرال برقرار کرد، در حالی که اصلاحیه سال ۱۹۷۷ بر قانون فدرال رزرو، اختیار ویژه‌ای برای ترویج "اشتغال حداکثر، قیمت‌های با ثبات و نرخ‌های بهره بلندمدت ملایم" به بانک مرکزی اعطا کرد. ثبات قیمت مستلزم این است که بانک مرکزی سعی نکند که اشتغال را بالاتر از سطح پایدار بیاورد و همچنین فدرال رزرو در عمل اختیارات خود را در متضمن شدن اشتغال حداکثر پایدار تعبیر کرده است. هدف نرخ‌های بهره بلندمدت ملایم اغلب در بیانیه‌های اختیارات فدرال رزرو ذکر نشده است، نه به خاطر آنکه این هدف بی‌اهمیت است، بلکه به این خاطر که نرخ‌های بهره بلندمدت ملایم عموماً محصول فرعی ثبات قیمت‌ها هستند.

۲. به عنوان مثال در فوریه سال ۱۹۸۲، رئیس جمهور ریگان عنوان کرد: این حکومت همیشه از استقلال سیاسی هیأت مدیره بانک مرکزی حمایت خواهد نمود.

3. Clinton (2000)
4. Bush (2005)
5. Obama (2009)

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

شفافیت و پاسخگویی

استقلال بانک مرکزی بسیار مهم است، اما همانطور که اشاره کردم نمی‌تواند بدون قید و شرط باشد. اصول دموکراتیک به عنوان یک کارگزار حاکمیت، از بانک مرکزی می‌خواهد که در تعقیب اهداف تعیین شده‌اش پاسخگو باشد، به مردم و نماینده‌های منتخب آنها پاسخ دهد و در سیاست‌های خود شفاف باشد. به خصوص شفافیت ناظر بر سیاست پولی به‌ویژه کمک می‌کند که بانک‌های مرکزی پاسخگوتر باشند و بر اثربخشی این سیاست نیز می‌افزاید. روشن بودن اهداف سیاست آینده و اینکه بانک مرکزی احتمالاً در شرایط گوناگون اقتصادی چگونه واکنش نشان می‌دهد، نااطمینانی را کاهش داده و با کمک به خانوارها و بنگاه‌ها در پیش‌بینی کردن اقدامات بانک مرکزی- آثار سیاست پولی بر نرخ‌های بهره بلندمدت را تقویت می‌کند. وضوح بیشتر و نااطمینانی کمتر به نوبه خود توانایی سیاستگذاران را جهت تأثیر بر رشد اقتصادی و تورم افزایش می‌دهد.[۱]

در طول سال‌ها، فدرال رزرو مانند بسیاری دیگر از بانک‌های مرکزی در سراسر دنیا گام‌های مهمی برای بهبود شفافیت و پاسخگویی خود برداشته است. سیاستگذاران در برابر کنگره در خصوص چشم‌اندازهای سیاست و شرایط اقتصادی، سخنرانی‌ها و اظهارات متعددی داشته‌اند و فدرال رزرو دوبار در سال گزارش مبسوطی از اقتصاد و سیاست پولی به مجلس ارائه می‌دهد.[۲]

FOMC بازوی سیاستگذاری پولی ایالات‌متحده، بعد از هر یک از نشست‌هایش صورت وضعیتی را منتشر می‌کند که تصمیمات سیاسی کمیته را تشریح کرده و رأی‌ها به این تصمیمات را گزارش می‌دهد.FOMC همچنین تنها سه هفته پس از آنکه هر نشست انجام و تدارک دیده شد خلاصه‌ای از یادداشت وقایع آن و با تأخیر، تمام یادداشت‌های مربوط به نشست را منتشر می‌کند. به‌علاوه، FOMC هر سه ماه یکبار آغاز به تهیه خلاصه‌ای از پیش بینی‌های شرکت کنندگان در کمیته از متغیرهای اقتصادی کلیدی و این اواخر از ارزیابی‌هایشان از ارزش‌های بلند مدتی که انتظار می‌رود این متغیرها در طول زمان آنها را پوشش دهند، نموده است.[۳] اطلاعاتی که توسط FOMC منتشر شده است، برای فعالیت‌های گروه‌های «ناظر فدرال رزرو» که با جزئیات به تجزیه و تحلیل تمام جوانب سیاست پولی می‌پردازند فواید مهمی را به دنبال دارد.

---

1. Wood Ford(2005)

۲. نگاه کنید به گزارش سیاست پولی به کنگره، در سایت زیر:

www.Federalreserve.gov/monetary policy/ mpr-default.htm

۳. برای یک بحث نگاه کنید به Bernanke (2007).

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

جدا از سیاست پولی سنتی، پاسخ فدرال رزرو به بحران‌های مالی دربرگیرنده طیف وسیعی از اقدامات پیشگیرانه سیاسی جدید است که فدرال رزرو اطلاعات وسیعی در آن خصوص در دسترس قرار داده است. برای مثال، هیأت عامل مرتباً اطلاعات تفصیلی‌ای را در خصوص ترازنامه فدرال رزرو و تسهیلات نقدینگی ویژه که معرفی شد، منتشر کرده است. ما در سایت اینترنتی‌مان بخشی را به این موارد اختصاص دادیم و گزارش ماهانه منظمی را نیز راه‌اندازی کردیم[۱] و ما در جستجوی راه‌های جدید برای افزایش شفافیت فدرال رزرو ایالات متحده هستیم بدون اینکه سیاست پولی تعیین شده و اهداف ثبات مالی‌مان را خدشه‌دار کنیم.[۲]

نتیجه‌گیری

در نتیجه بحران، کشورهای سراسر جهان مشغول انجام اصلاحات مالی و تنظیمی مهمی هستند. چنین اصلاحاتی که احتمال بحران‌های آینده را کاهش و تأثیرات بحران‌هایی که رخ می‌دهند را تخفیف می‌دهد، ارزش حمایت همه جانبه ما را دارد. با این حال همانطور که ما در مسیر اصلاحات حرکت می‌کنیم ضروری است که توانایی بانک‌های مرکزی را برای اتخاذ سیاست‌های پولی مستقل از نفوذ سیاسی کوتاه مدت حفظ کنیم. در ازای این استقلال، بانک‌های مرکزی باید از عهده مسئولیت‌های خود برای شفافیت و پاسخگویی برآیند. در فدرال رزرو ما به کار خود در جهت آسان کردن درک مردم از تصمیمات سیاست پولی و همچنین اقداماتمان برای تضمین کردن سلامت سیستم مالی ادامه خواهیم داد.

---

۱. برای اطلاعات بیشتر در خصوص ترازنامه فدرال رزرو نگاه کنید به برنانک (۲۰۰۹) و برنامه اعتبار و نقدینگی و ترازنامه موجود در وب سایت www.Federalreserve.gov/monetarypolicy/ bst.htm

۲. به عنوان مثال نگاه کنید به برنانک ۲۰۰۷ و آلوارز ۲۰۰۹.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]